

بررسی شرایط جدید منطقه و سفر پوتین و اردوغان به تهران

امروزه یکی از مسائلی که در صدر اخبار ایران قرار گرفته نگاه به غیر غرب در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که توسط ضد انقلاب خارج نشین دائم دچار محتوا سازی و جریان سازی خبری منفی می شود و در راس آن حوزه مجازی است این حجم جریان سازی خبری منفی حاکی از این است که این موضوع مهم است و ضروری است در ابعاد مختلف به آن پرداخته شود.

روسیه امروزی شوروی کمونیستی و روسیه تزاری سابق نیست و یکی از مشکلاتی که ما در کشورمان داریم این است که سه مقطع سیاسی سابق در این کشور را بصورت واحد حساب می کنیم و این باعث می شود ما در بسیاری از تحلیل ها دچار مشکل شویم و این معلول اطلاعات کم ما در مورد صحنه سیاسی روسیه کنونی می باشد یعنی کشوری که ۳۰ سال است، تشکیل شده و ربطی به شوروی کمونیستی و روسیه تزاری ندارد ما یک خاطره تلخ از روسیه تزاری داریم و ۲۰ سال با آنها جنگیده ایم و در هرکدام از این جنگ ها به واسطه شکستی که خوردیم هزینه های زیادی را متحمل شدیم. بعد از حکومت تزارها حکومت جدید (کمونیست ها) هم وارد حوزه تجزیه طلبی در ایران شدند به واسطه جریان پیشه وری، جریان حزب توده و در هشت سال دفاع مقدس پشتیبان لجستیک صدام بودند، بنابراین ما خاطره خوبی از شوروی کمونیستی هم نداریم.

با فروپاشی شوروی و نظام دو قطبی یکی از ۱۵ واحدی که وارث سرزمین قبلی شد جمهوری فدرال روسیه بود، در ۳۰ سال اخیر برخلاف اسلاف این حکومت، در این جمهوری از زبان هیچ مسئولی حتی غربگراترین آنها چیزی به نام اسقاط جمهوری اسلامی ندیده ایم. بلکه در تمام آثار و نظرات آنها در مورد ایران بر حفظ جمهوری اسلامی تاکید شده است، امروز در نقطه مقابل این تفکر، اروپای غربی و آمریکا چندین سال است در حال تصویب بودجه و صرف هزینه های بسیاری برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی هستند. در حالی که در ۳۰ سالی که از تاسیس جمهوری فدرال روسیه گذشته است یک نمونه نداریم که علیه حاکمیت جمهوری اسلامی حوزه گیری کرده باشند و حتی در حمایت از یک گروه که مخالف حاکمیت در ایران است موضع گیری کرده باشند و این بر خلاف خط مشی روسیه تزاری و شوروی می باشد.

در نظام جمهوری اسلامی نگاه به شرق، نگاه به شرق ایدئولوژیک نیست بلکه نگاه به شرق جغرافیایی و کشورهای مثل چین، پاکستان، هند و سایر همسایگان می باشد و نخبگان کشور باید به این مسئله توجه داشته باشند.

متأسفانه برخی نخبگان در کشور روسیه نیز همین تلقی اشتباه را در مورد ایران دارند و هیچ تفاوتی بین حکومت قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی قائل نیستند و همین باعث سوءظن بین طرفین شده است، مثلاً یکی از مشکلات طرفین عدم ترویج زبان آنها می باشد و طرف ها برای آگاهی از وضعیت یکدیگر به رسانه های خارجی مراجعه می کنند که همگی دارای آدرس های غلط می باشد.

امروز در حوزه سوریه یک همکاری بین طرفین وجود دارد که سابقه نزدیک به ۱۲ ساله دارد روس ها در این مدت به انحاء مختلف با محور مقاومت همراهی داشته اند و امروز روس ها به دلیل منافع مشترک در گستره محور مقاومت می باشند. در جبهه مقاومت تأکیدی بر اینکه مقاومت بایستی صرفاً مبتنی بر مسلمانان و شیعه بودن باشد، وجود ندارد. روسها بنا به دلایل بسیاری با کشور ایران در جبهه مقاومت همراهی می کند با این تفاوت که آنها برخلاف ما آرمان‌گرا نیستند و یکی از دلایل اصلی حضور روسها در عرصه سوریه وجود دشمن و منافع مشترک با ایران است، از جمله مبارزه با جریانات تکفیری که به دنبال تجزیه روسیه می باشند. در قفقاز شمالی ۱۱ جمهوری و ایالت خودمختار وجود دارد که از ابتدای بعد از فروپاشی شوروی در آتش تجزیه طلبی و خونریزی می سوختند و ریشه‌های اصلی تحرکات در دست وهابی‌ها بود لذا روس ها ترجیح می‌دهند به جای اینکه در داخل سرزمین های خودشان با این جریانات مقابله کنند، در یک محیط خارج از سرزمین های خود با هزینه های کمتر با آنها به مقابله بپردازند. دلیل دوم نبرد روسها با جبهه غرب است که در رأس آن حوزه اوکراین می باشد. امروز سوریه هم ۱۱ سال است که یکی از خاکریز های اصلی رودرروی روسیه با آمریکا و غرب می باشد که در ۱۰ سال اخیر بحران اوکراین هم مزید بر علت شده است یعنی روسها یک اقدام پیش‌دستانه در عرصه سوریه برای مقابله با غرب اتخاذ کرده اند. بنابراین به طور حداقلی دو منفعت مشترک برای همکاری ایران و سوریه وجود دارد.

از ابتدای بحران سوریه اگر حمایت‌های جدی روسها نبود این فضای تنفسی به محور مقاومت کمک نمی کرد و در همان ابتدای بحران جبهه غرب نسخه بشار اسد و تیم حاکم را پیچیده بودند. در یازده سال گذشته ۱۷ قطعنامه و حدود ۷۰ پیش نویس قطعنامه به نفع محور مقاومت توسط روسیه در شورای امنیت وتو شده است و این به دلیل فشارها و حمایت های جمهوری اسلامی در این زمینه بوده است.

امروز دلایل دیگری هم به دلایل حضور روسیه در سوریه اضافه شده است که برآیند همه آنها به نفع محور مقاومت است. حمایت روس ها از سوریه در ابتدا به لحاظ حقوقی در سازمان ملل بوده است و در ادامه شامل تصویب بودجه نظامی و همراهی در صحنه میدانی می باشد. چنانچه روس ها این کار را انجام نمی دادند ایران مجبور به پرداخت تمام این هزینه بود. جمهوری اسلامی نه تنها در زمینه نیروی هوایی بلکه در سایر سطوح، همکاری نزدیکی با روسیه داشته است، حدود ۶ سال قبل جمهوری اسلامی ۴۰ هدف در خاک سوریه به روس ها داد و ناوگان روس ها در دریای خزر آنها را مورد حمله قرار داد یکی از نتایج مهم این همکاری کشته شدن آقای ظهران علوش بود، او کسی بود که ۱۴۰ گروه تکفیری سوریه روی او اجماع نظر داشتند و پس از کشته شدن او چند پارچگی بین تکفیری ها شدت بیشتری گرفت و دیگر روی هیچ فردی اجماع صورت نگرفت و کل هزینه این عملیات را روسها دادند (هر موشک کروزر حدود پنج و نیم میلیون دلار هزینه برای روسیه داشته است) در ادامه هم نیروی هوایی محور مقاومت در سوریه روس ها بودند و نیروی زمینی را جمهوری اسلامی تقبل کرده است بنابراین روسها در سوریه همراهی

کاملی با جبهه مقاومت داشته اند و روابط به سطح راهبردی ارتقا پیدا کرده است. بنابراین در حوزه راهبردی سوریه همکاری روس ها با ایران در سطح مطلوب می باشد و قابل تعقیب است. ایران در حوزه های دیگری مثل یمن نیز با روسها همکاری نزدیک دارند در این حوزه هفت پیش نویس قطعنامه و ۵ قطعنامه به نفع محور مقاومت در مورد یمن توسط روسها وتو شده است بنابراین می بایست این حوزه ها تعمیق پیدا کند و از فرصت تقابل روسیه و غرب بهره برداری کافی صورت گیرد.

اردوغان همراه کامل با آمریکا و غرب نیست ولی مهره همسویی با غرب و آمریکا در منطقه است به همین دلیل شش سال پیش آمریکا علیه او یک کودتا ناموفق انجام داد و این به دلیل عدم همراهی کامل اردوغان با غرب است هرچند در برخی موارد همسویی با مواضع غرب دارد. در اجلاس آستانه شش سال است که محور مقاومت توانسته ترکیه را بصورت رویکرد اعلامی و نه اعمالی با خود همسو کند. روسیه معتقد است که عدم همراهی اردوغان حتی به صورت حداقلی باعث حرکت بیشتر آن به سمت غرب خواهد شد و صبغه تاریخی، این مسئله را نشان داده است. آقای بشار اسد در سال ۲۰۰۹ و قبل از بحران سوریه روابط خوبی با اردوغان برقرار کرد و امنیت مرزهای مشترک خود را به ترکیه سپرد ولی با خیالت اردوغان به حاکمیت سوریه آنها اجازه دادند نیروهای تکفیری از طریق زمینی وارد سوریه شود بنابراین اردوغان قابل اعتماد نیست ولی اگر به جبهه مقاومت جذب نشود امکان جذب آن در محور غرب افزایش پیدا می کند. اردوغان جبهه مقاومت را قبول ندارد اما برای حفظ جایگاه خود مجبور است به گونه ای موضع گیری کند که بخشی از توان خود را در مقابل جبهه مقاومت قرار ندهد. گروه های سلفی زیادی مثل جبهه النصره و دیگر گروه ها همواره مورد حمایت اردوغان بوده اند بنابراین طراحی های محور مقاومت باعث شده است بخشی از آسیب های ترکیه برای محور مقاومت مدیریت شود و این یک فرصت ارزشمند است و همین مسئله در جبهه مقابل یعنی غرب هم باعث شده است آنها هم اعتماد کامل به اردوغان نداشته باشند. اردوغان یک جریان را در اخوان المسلمین تعریف کرده و تحت عنوان اخوان اردوغان یعنی سلفی های اخوانی که مشی تکفیری دارند و در سومالی، لیبی، قفقاز جنوبی و اوکراین فعالیت می کنند (در آن علیه روس ها انجام فعالیت می کنند) بنابراین اگر اردوغان مهار نشود این فرد روحیه توسعه طلبی دارد بنابراین حوزه مقاومت باید آن را حتی به صورت حداقلی و اعلانی مهار کند. ۷ دوره اجلاس روسای جمهور آستانه باعث ایجاد یک ائتلاف (نه اتحاد) شده است. دشمن مشترک کشورهای اجلاس آستانه از دیدگاه اردوغان داعش می باشد و اقدامات خود را در تقابل با داعش می داند و علت حضور ایشان در این ائتلاف نیز همین می باشد.

هدف اصلی اجلاس اخیر آستانه در تهران تثبیت وضعیت موجود در سوریه در روند گفت و گوهای صلح در شش سال اخیر می باشد گفت و گوی که حداقل دستاورد آن جدا شدن اردوغان از جبهه مقابل مقاومت به جمهوری اسلامی و مقاومت است و دستاورد دیگر آن کمک به تثبیت موقعیت تیم حاکم در سوریه است.

ایران با روس ها در حوزه دو جانبه روابط خوبی در حوزه سیاسی و امنیتی دارند اما این روابط هموار شکننده بوده است روابط سیاسی امنیتی خوب نیازمند دو پیوست می باشد که وضعیت آن را تقویت کند یکی از مهم ترین این پیوست ها پیوست فرهنگی و مردمی است و دومین پیوست اقتصادی می باشد ولی متأسفانه این دو پیوست در روابط دو کشور ایران و روسیه بسیار ضعیف می باشد. ایران و روس ها توافق لغو روادید ندارد اما سالها روسیه با رژیم صهیونیستی قرارداد لغو روادید دارد. در وضعیت فعلی در اسرائیل از هر ۵ نفر یک نفر روسیه تبار می باشد. بنابراین برای تحکیم روابط می بایست پیوست مردمی بین کشور ایران و روسیه تقویت شود. مشترکات مذهبی کشور ایران و روسیه به ویژه ارتودوکس ها بسیار قوی می باشد، زیرا آنها حضرت عیسی را به منجی آخرالزمان می دانند و شیعیان نیز او را قائم مقام منجی آخرالزمان می دانند این در شرایطی است که آقای اعرافی

رئیس حوزه های علمیه در اوج بحران اوکراین به واتیکان سفر می کنند و این مسئله باعث سوء برداشت در روابط بین ایران و روسیه می شود. روسها در بحث اقتصادی گلایه های زیادی از ایران دارند که پول خود را در جیب غربی ها می ریزند و هر آنچه آنها به شما نمی دهد را ما به شما داده ایم مثلاً اعا می کنند که می شود به جای تامین غلات از برزیل و دیگر کشورهای همسو با غرب از همسایگان شمال، این کالا را تامین کرد و این باعث افزایش ارزش پیوست اقتصادی بین دو کشور می شود که لازمه همکاری های نظامی و امنیتی است. در کنار این مورد به ابزار رسانه هم نیاز می باشد و کشور ایران امروزه هیچگونه رسانه روسی زبان ندارد و این مشکل در زمینه چین هم وجود دارد.

کمک مستشاری رژیم صهیونیستی به اکراین به واسطه یهودی بودن زلنسکی باعث شکاف بین دو کشور شده است و این مسئله روز به روز باعث عمیق تر شدن شکاف بین دو کشور شده است روسها نگاه منفی شدیدی نسبت به دیگر انگلستان دارد این در حالی است که ایران اکثر سفرهای خود در روسیه را از بین سفرهای لندن استفاده کرده و باعث حساسیت روس ها نسبت به این مسئله شده است.

در روسیه نیز بین نخبگان این کشور نگاه های متفاوتی نسبت به مسئله گرایش به شرق یا غرب وجود دارد و به جز لاوروف بیشتر دیپلمات های روسیه نگاه به غرب دارند هرچند این شرایط در ارگان های نظامی و امنیتی روسیه به این شدت نیست ولی در کرمین نیز اکثریت در مقابل غرب و اقلیت موافق غرب هستند و این به دلیل لایه لایه بودن مسئله حاکمیت است، در چین هم همین مسئله وجود دارد. جمهوری اسلامی باید از طریق لابی سازی، مخاطبین خود را در این کشورها شناسایی کند زیرا صهیونیست ها به عنوان دشمن اصلی ایران در جهان از لحاظ لابی سازی به شدت قوی هستند. بنا به پیش بینی ها در دو دهه آینده میزان جمعیت مسلمانان در روسیه با غیر مسلمانان برابر خواهد شد این شرایط مناسبی برای فعالیت جمهوری اسلامی ایجاد می کند زیرا حاکمیت در روسیه سعی در تبلیغ اسلام شیعی و ایرانی در این کشور دارد این در حالی است که کل دانشجویان ایران در روسیه ۴۸ نفر است ولی در آمریکا نزدیک به ۱۲ هزار نفر دانشجوی ایرانی داریم و این یکی از دلایل تقویت گرایش به غرب در ایران می باشد.

اگر در یک مسیر راه نفس کشیدن ما بسته باشد ما نمی توانیم نفس نکشیم بنابراین بایستی یک مسیر جدید ایجاد شود امروز کار با همسایگان به ویژه همسایگان شمالی و جنوبی آسیا فضای تنفسی بسیار مناسبی است یکی از عواملی که باعث حفظ ارزش پول روسیه در اثر تحریم ها شده است فروش و صادرات اغلب محصولات صادراتی این کشور به وسیله ارز ملی خود می باشد اگر چنانچه کشور ایران در شرایط تحریم این رویه را اتخاذ می کرد میزان خروج ارز از کشور کاهش پیدا می کرد و از شدت کاهش ارزش پول ملی کاسته می شد.